

مکتب شیخی
از حکمت الهی شیعه

ویسنده:
هنری کربن

ترجمه:
فریدون بهمنیار

سرشناسه	کوربن، هانری، ۱۹۰۳ - ۱۹۷۸ م.
عنوان و نام پدیدآور	Corbin, Henry : مکتب شیخی از حکمت الهی شیعه / نویسنده هانری کوربن؛ ترجمه فریدون بهمنیار.
مشخصات نشر	: تهران: شفیعی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۲ ص، ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۴۳-۵۳-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
پیدداشت	: L'ecole shaykhie en theologie shi'ite. عنوان اصلی:
موضوع	: احسانی، احمد بن زین‌الدین، ۱۱۶۶ - ۱۲۴۱ ق. --- نقد و تفسیر
موضوع	: شیخیه
موضوع	: Shaykhiyeh
موضوع	: بابیگری -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها
موضوع	: Babism -- Apologetic works
شماره افزود	: بهمنیار، فریدون، ۱۳۳۶ - مترجم
رده بندی - کوه	: ۱۳۹۷BP۲۳۹/۵ م ۹۸/ک
رده بندی دیو	: ۲۹۷/۵۱۱
شماره کتابشناسی	: ۶۸

مکتب شیخی از حکمت الهی شیعه

نویسنده: هانری کوربن

ترجمه: فریدون بهمنیار

نوبت چاپ	: اول ۱۳۹۸
شمارگان	: ۵۰۰ نسخه
چاپ	: هورنو
قیمت	: ۴۸۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۴۳-۵۳-۹	: ISBN: 978-964-7843-53-9

«حق چاپ محفوظ است»

آدرس: تهران، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید، ساختمان اردیبهشت، طبقه همکف،

پلاک ۶۵، انتشارات شفیعی

همراه: ۰۹۱۳۳۷۸۰۷۱۵

تلفن: ۶۶۴۹۴۶۵۴

فهرست مطالب

۵		بی از پرفسور هنری گربن
۵		مقدمه مترجم
۵۱		مقدمه ولف
۵۶		مکتب سنی از حکمت الهی شیعه
۶۹		شیخ احمد احسائی
۱۰۰		جانشینان شیخ امام احمدی
۱۰۰		۱- سید کاظم رشتی
۱۰۷		۲- شیخ حاج محمد کریم خان سنی
۱۱۸		۳- شیخ حاج محمدخان کرمانی
۱۲۳		۴- شیخ حاج زین العابدین خان کرمانی
۱۲۸		۵- شیخ ابوالقاسم خان ابراهیمی (سرکار خان)
۱۳۶		چند نکته از اصول عقاید شیعه
۱۶۷		فهرست اعلام
۱۷۵		متن فرانسه کتاب

به نام خداوند جان و خرد

مقدمه مترجم
فریدون بهمنیار

یادی از پرفسور هنری گربن
استاد دانشگاه پاریس (سُرُبن)

برای نخستین بار پرفسور هنری گربن را دیدم و با هم آشنا شدیم. در این جلسه که قریب به سه ساعت طول کشید، آن فقید شادروان دلبستگی و اشتیاق خود را از سال اوان جوانی، به تحقیقات فلسفی و مباحث الهی بیان کرد و به اختصار شرح داد:

فلسفه‌ی غرب را به سیاق زمان آلمانم چندین سال، شاید دوازده سال، از محضر بزرگترین استادان فلسفه در آلمان استفاده کردم. آثار «هایدگر» را از زبان آلمانی به زبان فرانسوی ترجمه نمودم.

در سال‌های ۱۹۳۵ میلادی و به بعد، با یکی از اساتید بزرگ فلسفه در پاریس به مطالعه‌ی آثار فلاسفه‌ی قرون وسطی پرداختیم. مهم‌ترین متن‌هایی را مطالعه می‌کردیم که در قرن دوازدهم میلادی از عربی به لاتین ترجمه شده بود و در این زمان بود که ابن سینا را شناختم. این مطالعات وادارم ساخت زبان عربی و بعداً فارسی بیاموزم و به شرق شناسی رو آورم و در همان تاریخ که دلبسته‌ی فلسفه‌ی آلمانی و ژرمن

شناس بودم، شیفته‌ی عرفان ایرانی و شرق شناسی گشتم. شیخ اشراق، شهاب الدین سهروردی، مرا به خود جذب کرد و از عمل گرایان و استدلالیون روی برتافتم و به صاحب‌دلان و اشراقیون پیوستم.

چند سال در ترکیه راجع به تصوف و عرفان و فرقه‌های مختلف صوفیان مطالعه و تحقیق کردم. مجموعه‌ای از آثار سهروردی را به چاپ رساندم و به شناختن و مطالعه‌ی آثار حکیم بزرگ ایرانی، ملا صدرا شیرازی رحمه الله، پرداختم و تالیفات مشارالیه را به منظور مطالعه و تحقیق گردآوردم. مردم و شرح‌هایی که دیگران بر آثار وی نوشته‌اند به دست آوردن از دست بکی از علمای ترکیه، مردی عارف و روحانی، کتابی به من داد. پس از مطالعه آن کتاب، دیدم آنچه در حکمت تا به حال خوانده‌ام زمینی است و این کتاب جنبه‌ی آسمانی دارد. معلوم شده این کتاب شرحی است که شیخ ابوالاحد، احمد بن زین الدین احسائی اعلی الله مقامه بر کتاب مشاعر مرحوم ملا صدرا شیرازی نوشته است ... در اینجا شایسته است این موضوع را یادآور شویم که از سال ۱۳۲۵ هجری شمسی، پرفسور هنری کُربن با عشق و علاقه‌ی فراوان آثار بی‌شمار مشایخ سلسله‌ی شیخیّه را مطالعه می‌کرد و هر روز که می‌گذشت به این مکتب مؤمن‌تر می‌شد و این مکتب را که مکتب تشیع اثنی عشری کامل و خالص فهمیده و دانسته بود، بیش از پیش می‌ستود و دیگر تر رساله و مقاله و کتابیست که فصلی مبسوط یا اشاره‌ای و یا مطبوعی درباره‌ی مکتب شیخیّه نگفته باشد، تا به جایی که در سال ۱۳۵۵ در مصاحبه‌ای که با نویسنده‌ی روزنامه‌ی اطلاعات در پاریس، آقای حسین مهری، داشته است چنین می‌گوید: «... درباره اندیشه‌های شیخیّه نیز بسیار کار کرده‌ام.

به شیخیه ارادتی دارم ... درباره عرفان، کتاب بسیار خوانده‌ام و بسیار نوشته‌ام اما برچسب ندارم. با این همه، ارادت کامل دارم به عظمت این مکتب و عظمت فلاسفه آن ...»

پرفسور هنری گربن، پس از لااقل سی سال مطالعه‌ی آثار مشایخ شیخیه بر این عقیده بود: «حکمت الهیه امامیه» را که بر پایه‌ی تعالیم ائمه‌ی سیزده گانه تشیع و بیانات چهارده نفس مقدس معصوم استوار است و از اسرار سرّی آن بزرگواران سرچشمه می‌گیرد، باید در آثار و کتابهای که مشایخ شیخیه در حکمت الهی نوشته‌اند جستجو کرد.

پرفسور هنری گربن در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی کتاب «المشاعر» را بانضمام ترجمه‌ی فارسی آن، از بدیع الملک میرزا عمادالدوله با ترجمه و مقدمه و تعلیقات فرانسیسوی تابع رسانید. در پیش گفتار می‌گوید: «آنچه درین کتاب یاد شده اعم از متن حاضر و شرح حال ملاصدرا، و منابعی که درباره‌ی وی موجود است، و رسال متعده‌ی که درباره‌ی آثار وی تالیف شده، مخصوصاً کتابی که ترجمان و شاخ فرانسیسوی، بدیع الملک میرزا عمادالدوله، تصنیف کرده، و نیز همه‌ی مصنفانی که به وسیله‌ی ملاصدرا یاد شده، و اسامی نویسندگان آن آثار، همه در بخش فرانسوی کتاب حاضر آورده است. ما مخصوصاً در بخش فرانسوی، به شرح شیخ احمد احسائی، که اثری عمیق و ارزنده است، توجه بیشتری کرده ایم. حاشا فانه غالب مردم، بر شرح و قضاوت سطحی ملا اسماعیل اصفهانی درباره‌ی شیخ احمد احسائی، به خوبی واقفاند، ولی من جز به عده‌ای انگشت شمار برنخوردم که شرح شیخ احمد احسائی را، که نسخه‌ی آن یک قرن

پیش چاپ سنگی شده، و اکنون نایاب است، به واقع خواننده باشند ... در یک سطر بعد می‌نویسد:

برای خوانندگان گرامی که در بخش فرانسوی این کتاب دقت خواهند کرد لازم به توضیح نیست چرا یک فیلسوف مغرب زمین مسائل موضوعه ملاصدرا را، که در آثار وی متجلی است، در زمان حاضر برای جهان حاضر، امروزین روز می‌داند، و به مباحث مهم حکمت تشیع، که متأسفانه تقریباً با التمام تا به امروز برای جهان خارج ناشناخته مانده است، ایمان و اعتقاد عمیق دارند.

در بخش فرانسوی کتاب، پرفسور هنری گربن، بیش از یک صد و پنجاه مرتبه از شیخ محمد حسائی اسم می‌برد و کتاب خود را که روی هم رفته در ۲۴۲ صفحه به چاپ رسیده است، به این جملات ختم می‌کند که به فارسی ترجمه می‌شود: «صفحات اول کتاب ما، مباحث دشوار ما بعد الطبیعه‌ی وجود را بیان می‌کند، شاید به نظر مشکل نماید. حل مشکل بزرگی که سرانجام این صفحات ما را به آن می‌رساند، پاداش زحمات طاقت فرسای مترجم و خواننده است. ریاض آخر کار، در اینجا، آگاه می‌شویم اندیشه‌ی شیعی را به حد کمال، در بهایست اوجش، در دو فرد از بزرگترین شخصیتها که نمایندگان آن هستند، می‌بینیم، دو فرد بلند پایه که با هم اختلاف و تفاوت بسیار دارند و در همان زمان نیز به هم نزدیکند گفتیم چرا و به چه دلیل: ملاصدرا شیرازی شیخ احمد احسائی»

پرفسور هنری گربن درباره‌ی «عالم مثال» و عود ابدان به عالم آخرت کتابی دارد که در سال ۱۹۶۰ میلادی در پاریس به طبع رسیده و سال

گذشته (۱۹۷۷ میلادی) از فرانسه به انگلیسی ترجمه شده است. در این کتاب، که می‌توان عنوان آن را به «ارض سماوی و بدن مادی از ایران زردشتی تا ایران شیعی» ترجمه کرد، از یازده نفر از بزرگان حکمت و عرفا نام می‌برد و نظریات و عقاید آنها را شرح می‌دهد و در قسمت دوم کتاب از هر یک عین متنی از آثارشان را ترجمه می‌کند. سه نفر از این یازده نفر را از مشایخ سلسله‌ی شیخیّه انتخاب کرده است. از شیخ اشراق، یحیی شهاب الدین سهروردی (متوفی سال ۵۸۷ هـ.ن) ۲۰ صفحه، از محیی الدین عابدی (متوفی به سال ۶۳۸ هـ.ق) ۱۱ صفحه، از داود قیصری (متوفی به سال ۷۵۱ هـ.ق) ۵ صفحه، از عبدالکریم جیلی (متوفی به سال ۸۰۵) ۱۲ صفحه، از شمس الدین محمد لاهیجی (متوفی به سال ۸۶۹ هـ.ق) ۴ صفحه، از ملاصدرا شیرازی (متوفی به سال ۱۰۵۰) ۹ صفحه، از عبدالرزاق لاهیجی (متوفی به سال ۱۰۷۲ هـ.ق) ۵ صفحه، از محسن فیض کاشانی (متوفی به سال ۱۰۹۱ هـ.ق) ۵ صفحه، از مکتب شیخیّه از شیخ احمد احسائی (متوفی به سال ۱۲۴۱ هـ.ق) ۵۰ صفحه، از شیخ حاج محمد کریم خان کرمانی (متوفی به سال ۱۲۸۸ هـ.ق) ۲۲ صفحه و در خاتمه از شیخ ابوالقاسم خان ابراهیم (متولد ۱۳۱۴ هـ.ق) از کتاب «تنزیه الاولیاء» ۳۶ صفحه به فرانسوی ترجمه و نقل کرده است.

مطالعه‌ی این کتاب به ما می‌فهماند که پرفسور هنری گربن تا چه حد به حکمت الهی که مشایخ سلسله‌ی شیخی بیان آن را کرده‌اند، توجه و دلبستگی دارد و آن را «حکمت الهیه امامیه» می‌داند و می‌گوید: «این عالی‌ترین مکتب حکمت الهی است که یافته‌ام» امام را به آن کیفیت

که شیخ احمد احسائی شناخته بود، ملاصدرا به آن کیفیت نشناخته بود و تماس دائمی را که شیخ احمد احسائی با امام داشت، آن تماس دائم را ملاصدرا نداشت بلکه از پشت حجابی که ما را از عالم ملکوت جدا ساخته است، گاه گاهی برقی می‌درخشید و ملاصدرا را روشن می‌کرد، ولی شیخ احمد احسائی از شخصیت‌های نادر و استثنائی بود که دائماً در اعلیٰ ملکوت سیر و مشاهده دارند. اگر ملاصدرا زمان شیخ احمد احسائی را درک کرده بود تسلیم گفته‌های شیخ می‌شد. پرفسور هنری گُربن بر این عقیده بود که شیخ احمد احسائی در شرحی که بر کتاب المشاعر ملاصدرا و در شرحی که بر کتاب الحکمة العرشیه ملاصدرا نوشته است هر جا که ملاصدرا کن رفته است و برخلاف موازینی که از ائمه‌ی اطهار علیهم السلام، بدون ترجمه، سودای گفته است، شیخ سعی کرده است او را راست نماید. این مطلب را به وضوح در کنفرانس مفصلی که در مدرسه‌ی مطالعات عالیّه در پاریس، درباره‌ی ملاصدرا داده است شرح و بسط می‌دهد و خلاصه‌ای از این کنفرانس در سالنامه‌ی ۱۹۷۷-۱۹۷۸ آن مدرسه که در واقع دانشگاهی است وابسته به دانشگاه پاریس (سُربن) اخیراً به چاپ رسیده است.

پرفسور هنری گُربن متأسف است از اینکه: اساتید بزرگ فلسفه و حکمت هیچ گاه سعی نکرده‌اند و به خود زحمت نداده‌اند مطالعه حکمتی شیخ احمد احسائی را که از بیانات عالیّه‌ی ائمه اطهار استنباط کرده است به دقت بخوانند و اصطلاحات خاص آن حکیم بزرگ الهی را درک کنند و حال آنکه آن مرد الهی هر جا که برای بیان مطالب خود از اصطلاحات متداول بین عرفا گرفته است، به طور صریح می‌گوید که چه اراده کرده

است و برای مثال با استفاده از لفظ ماده، صورت، نور و وجود ذهنی چه می‌خواهد بیان کند و برای او چه مفهومی دارد و بر مفهوم و مستنبط خود از اخبار آل محمد (ص) شاهد می‌آورد. کسانی که بر حکمت الهی شیخ ایراد گرفته‌اند و گفته‌اند شیخ اصطلاحات حکمتی را نمی‌دانسته، هر کدام برای تحقیق به محل نرفته‌اند، ولی ما می‌توانیم بگوئیم شیخ به عمق اصطلاحات و مفهومی که اراده شده است پی برده و بر آنها احاطه داشته است. ما می‌توانیم بگوئیم زیرا ما برای تحقیق به محل رفته ایم. در دو سه مورد از حکمت الهیه امامیه که شیخ احمد احسائی آشکار ساخته است، صحبت به میان آمد، پرفسور هنری کُربن تصدیق داشت که: «حکمت برای بسیاری از حکمای بزرگ گذشته فن و رشته‌ای از علم بوده است و حکمت را به علم به حقایق اشیاء می‌دانند خواه با شرع مطابقت داشته باشد یا نداشته باشد، و حال آنکه حکمت شیخ احمد احسائی دینش بوده است و در هر مورد، چه به نقل، چه به عقل و چه به کشف مطلبی را درک می‌کرده است، هنگامی که به آن منقول یا معقول و یا مکشوف خویش اعتماد پیدا می‌کرد که آن را با منکلمات آیات قرآن و اخبار صریح ائمه‌ی اطهار مطابق می‌یافت و در صورتی که آنچه را در یافته است پایه و اساس و اصل مسلم بداند و از متشابهات یا منقول یا معقول و یا مکشوف خود شاهد آورد و در کتاب‌های خود با تعلیقاتی حاکی از عذوفت و مرحمت، در خطاب به ملاصدرا این مطلب را گوشزد می‌نماید ... کسانی که سعی بر این دارند که از عظمت مقام شیخ احمد احسائی و حکمت عالی‌ه‌ی آن حکیم بزرگ الهی، فهمیده یا نفهمیده و ندانسته، با افتراء و تهمت و استهزاء، بکاهند، خیانت بزرگی به شرق

مرتکب شده‌اند و من این را در جایی که باید بگویم گفته‌ام، و من هرگز
روا نداشته‌ام در شناساندن این حکمت عالیه کوتاهی کنم و مرتکب چنین
خیانتی به غرب بشوم.»

www.ketab.ir